٩[[1]](#footnote-1)۱

یزد

بواسطۀ حضرت افنان سدرۀ مبارکه جناب آقا سیّد میرزا علیه بهآء الله

جناب آقا سیّد ابوالقاسم بیضا علیه بهآء الله الأبهی

هواللّه

ای ناظم محزون دلخون آنچه مرقوم نموده بودی معلوم گردید و بنهایت دقّت قرائت شد این مسجون را از آه جهانسوزت حزنی افزون حاصل شد و بمحض قرائت ماتم فوراً بنگارش این نامه پرداختم و آنچه از مصائب و بلایا بر جمیع احبّا وارد جمیع معلوم و مشهود و واضحست و فی‌الحقیقه هر منصفی چون مطّلع گردد با چشمی اشکبار همدم آه و فغان شود و ناله و زاری کند و جزع و فزع و بیقراری نماید این سیل شدید بهر بنیانی رسید ویران شد ولی نفوس مقدّسه را بدریای شهادت کبری انداخت و چون این سهام و سنان در سبیل حضرت رحمن بر صدور واقع باید در نهایت سرور این تیر جگردوز را سینه هدف کرد و این آتش جانسوز را تاب و تحمّل نمود چه که ایّام در گذر است و راحت و خوشی و سلامت و آسایش مانند ظلّ زائل بعالم فنا راجع و نهایت هر خوشی اندوه و غمست و پایان هر تازگی پژمردگی و عاقبت هر آزادگی آزردگیست ولی نفوس مبارکی که تحمّل هر مصیبتی در محبّت حضرت ربوبیّت نمودند و سبیل هدایت پیمودند آنان بپایان شادمانی جاودانی یابند و فرح و مسرّت آسمانی اگر چنین نباشد شخص جبین خود را اسد عرین شمرد و آلودگان خود را سرور آزادگان دانند و صعوهٴ جفا خویش را عنقای وفا گوید و غراب کین خود را بلبل گلشن علّیّین شمرد اینست که امتحان محکّ معدن مغشوش و ذهب خالص است و مصیبت و بلا سبب ظهور وفا و جفاست و چون علوّیّت شهادت شهیدان را بخاطر آرم آرزو نمایم که ای‌کاش این محروم نیز بهره‌ئی از آن رحیق مختوم میبرد و این بینوا نیز نصیبی از آن موهبت کبری میگرفت

و مرقوم نموده بودید که مشغول بتحریر کتابی در تفصیل مصیبت ارض یاء هستید بسیار مناسب و بجا بلکه انشآءاللّه چنانکه باید و شاید از عهده برآئید منظومهٴ بلیغه ملاحظه گردید بسیار مؤثّر بود امیدوارم که موفّق بر اعظم از آن گردید

در خصوص طلب غفران و تلاوت مناجات بجهت نفوسی که از این عالم بآن عالم شتافته‌اند و وسائل هدایت نیافتند ولی در محبّت با دوستان چیزی فرونگذاشتند سؤال نموده بودید که آیا طلب غفران جائز و برای ایشان مثمر ثمری هست در این دور رحمانی تضرّع و زاری و شفاعت بدرگاه احدیّت از برای جمیع نوع انسانی جائز و مثمر ثمر زیرا این دور جمال مبارکست و رحمت برای جمیع وجود از غیب و شهود

و امّا در خصوص چشم‌زخمی یعنی اصابة العین که در عربی عین الکمال گویند مرقوم نموده بودند که چشم شور را آیا اثری هست در چشم چنین اثری نیست ولی در تأثیر و تأثّر نفوس حکمتی بالغه موجود این من حیث العموم امّا نفوس ثابتهٴ راسخه مصون از این حادثه و اگر چنانچه نفسی را وهم و تأثّری حاصل شد نود و پنج مرتبه یا اللّه المستغاث بر زبان راند

امة‌اللّه زهرا و امة‌اللّه آقا بی‌بی و امة‌اللّه صغری والدهٴ شهید آقا علی اکبر را از قبل این عبد تحیّت ابدع ابهی ابلاغ نمائید و ببشارات کبری مژده دهید تا آنکه بیشتر از پیشتر در ترتیل آیات الهیّه و تشویق و تحریص کنیزان عزیزان الهی بر محبّت جمال رحمانی بکوشند ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر

1. ۱ رقم ٩ بر طبق حساب ابجد معادل عددی کلمه ”بهاء“ است. [↑](#footnote-ref-1)